

جایگاه اجتماعی صنایع دستی و هنرهای سنتی با نظری به مسگری کاشان در گذشته و امروز

امیرحسین چیت‌سازیان*

وحیدرضا جویباری**

علیرضا بهارلو***

تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۲۰

چکیده

مسگری کاشان از جمله صنایع و هنرهای سنتی و کهن شهر تاریخی کاشان است که متأسفانه امروزه - همچون اغلب صنایع دستی و سنتی این شهر - با رکودی بی‌سابقه مواجه شده و جایگاه اصیل و واقعی خود را از دست داده است. قسمت عمده‌ای از بازار کاشان که بنا بر اسناد و مدارک تاریخی و همچنین اقوال صنعت کاران این حرفه و عموم، زمانی سراسر حجره‌های مسگری و مسکوبی بوده، در حال حاضر به بازاری عمومی برای عرضه سایر

* استادیار دانشکده معماری و هنردانشگاه کاشان

** کارشناسی ارشد پژوهش هنردانشگاه کاشان

*** کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه کاشان

کالاها مبدل شده و کمتر جایی را در آن برای مسگری و پیشه‌وران ماهر آن می‌توان یافت.

در این تحقیق با در نظر گرفتن نقش و جایگاه صنایع دستی و هنرهای کهن، حوزه فلزکاری سنتی، بویژه مسگری و پیشینه آن مورد توجه قرار گرفته و در این راستا بازار قدیمی شهر کاشان به عنوان نمونه مطالعاتی، مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق، هم از نوع میدانی و هم کتابخانه‌ای (اسنادی تاریخی و تحلیل محتوا) بوده است و در نهایت سعی شده است تا با استناد به بررسی‌ها و تحقیقات و همچنین با رجوع به منابع مستند، علل افول و انزوای این صنایع عنوان شود و راهکارهای لازم تا حد امکان پیشنهاد گردد.

واژه‌های کلیدی: هنرهای سنتی، فلزکاری، مسگری، بازار کاشان

مقدمه^۱

صنایع دستی ایران از جمله شاخص‌ترین صنایع هنری است که ریشه‌های عمیقی در فرهنگ و تاریخ این سرزمین دارد و از دید تنوع نیز از طیف گسترده‌ای برخوردار است که از این منظر کشورمان در رأس سایر کشورهای دنیا قرار گرفته است.

تاکنون درخصوص صنایع دستی و نیز از سویی دیگر، واژه فرهنگ که در برگیرنده بسیاری از حوزه‌ها و داشته‌های جوامع و ملت‌ها از جمله هنر و صنایع دستی آنهاست، تعاریف متعددی ارائه شده است که همگی بیانگر ویژگی‌ها، صفات و جایگاه این دو حوزه از نظرگاه‌های متفاوتی بوده است. اما در تعریفی اجمالی و مختصر می‌توان گفت که صنایع دستی «بخشی از هنرهای سنتی است که حقیقت متعالی هنر را با فنون و مهارت‌های صنعتی متناسب، آمیخته و با قالب تکثیر در متن زندگی فردی و

- پیش از هر چیز لازم به یادآوری است که پیگیری و حفاظت از هنرهای سنتی در معرض افول و فراموشی، کاری است اصولی و نیازمند وقت و هزینه‌های دیگر که در این مقاله کوتاه، بررسی تمام ابعاد و جوانب آن قطعاً امکان پذیر نمی‌باشد و همکاری‌ها و حمایت‌های اساسی و همه‌جانبه را می‌طلبد.

جمعی عرضه کرده است» (یاوری، ۱۳۸۹: ۸). البته بیان تعریفی مشخص و روشن از واژه فرهنگ کار چندان ساده‌ای نیست و تاکنون تعاریف بسیاری از جانب جامعه شناسان، مورخان، محققان و... در این باره صورت گرفته که هر یک به نوعی در پی تعیین و تبیین حدود این حوزه بوده‌اند، که البته بیان تمام آنها در این مقاله نمی‌گنجد. به هر حال در نگاهی کلی و گذرا به تعاریف صورت پذیرفته تا به امروز، می‌توان اظهار داشت که فرهنگ مجموعه‌ای از ارزش‌های مادی و معنوی است که توسط انسان‌ها و در طول تاریخ بشری آفریده شده است و مبین میزان پیشرفت، تولید، وضعیت آموزشی، نهادها، صنایع و بویژه هنرها است.

صنایع کهن ایران به علت وسعت و گستردگی شاخه‌ها، قابل تقسیم به زیر شاخه‌های متعددی است که این نشان از گوناگونی و بالندگی سطح هنرهای سنتی و ریشه داشتن آن در تاریخ غنی ایران دارد. از جمله زیر شاخه‌های این صنایع که تاثیر زیبا شناختی و کاربردی فراوانی از گذشته در زندگی اقشار گوناگون داشته است، هنرهای فلزی است که مسگری و مسکوبی از شاخص‌ترین و جالب توجه‌ترین آنها است.

مسگری و بازار مسگران در گذشته از ارکان مهم در تولید و رفع نیازهای زندگی بوده‌اند و صدای چکش مسگرها مانند امروز، صدای غریب و ناآشنا نبوده است و اغلب ظروف و برخی اشیای زینتی و کاربردی را عموماً اسباب مسی تشکیل می‌داده‌اند. در میان بازارهایی که از گذشته به مسگری اختصاص داشته‌اند و امروزه اغلب با سایر مشاغل و حرفه‌ها جایگزین شده‌اند، بازار کاشان را می‌توان نام برد که هنر مسگری را در کنار سایر هنرهای برجسته این شهر (از قبیل قالی بافی، سفال‌گری و...) در حد عالی دنبال می‌نموده و محصولات و آثار متعددی را نیز عرضه می‌کرده است.

بر اساس آنچه بیان شد، آشنایی و شناخت صحیح از صنایع دستی و سنتی کشور و درک جایگاه و موقعیت آن و همچنین بررسی سیر تحول این صنایع از گذشته تا امروز، امری حیاتی و ضروری در حفظ و ادامه روند توسعه این هنر است. از این رو در

این نوشته با تعیین حوزه و قلمرویی خاص (مسگری کاشان) توجه را به بررسی و ریشه‌یابی موانع پیش روی و علل و راهکارها معطوف داشته‌ایم.

۱- جایگاه و اهمیت صنایع دستی و هنرهای سنتی

صنایع دستی که به آمیزه‌ای از هنر و صنعت اطلاق می‌شود و در قالب حوزه‌ای مستقل و بومی مطرح است، از سالیان دور همواره در جوامع بشری حضور داشته و به عنوان یکی از نمادهای فرهنگی و تاریخی هر کشور شناخته می‌شده است. بررسی صنایع دستی هر کشور یا منطقه، تا حد زیادی بیانگر فرهنگ و صنعت مردمان و استعدادها و مهارت‌های ایشان است. در واقع وجود این صنایع و هنرها، همچون سندی است بر هویت تاریخی ملت‌ها، چرا که بخشی از میراث فرهنگی کهن به این حوزه اختصاص دارد.

صنایع دستی یا به بیان صحیح‌تر «هنرهای صناعی»^۱ علاوه بر عناوین یادشده، ویژگی‌ها و خصایص منحصر و ارزنده دیگری را نیز داراست که عنایت و توجه بیشتری را به خود می‌طلبد؛ این ویژگی‌ها عبارتند از: «ملی‌گرایی و غیر وابسته بودن آن، قابلیت ایجاد و توسعه در تمام مناطق شهری، روستایی و عشایری، عدم نیاز به کارشناسان خارجی، دسترسی آسان به مواد اولیه و ابزار کار مختصر و ارزش افزوده بالا، عدم نیاز به سرمایه گذاری زیاد، بستر سازی در صنعت گردشگری، عدم داشتن آثار مخرب زیست محیطی، ایجاد درآمد مکمل و قدرت اشتغال زایی» (رک: یآوری، ۱۳۸۹ الف: ۱۹).

«از آنجا که صنایع دستی اساساً متکی به منابع داخلی است و به طور معمول بیش از ۹۰٪ ارزش داده‌ها در این رشته، که به طور عمده شامل نیروی کار، مواد اولیه

- گروه هنرهای سنتی فرهنگستان هنر، واژه «هنرهای صناعی» را گویاتر و کامل‌تر از واژه «صنایع دستی» می‌داند (یآوری، ۱۳۸۹ (ب): ۷).

مصرفی و وسایل و ابزار کار است، در داخل کشور تولید می‌شود، طبعاً هر گونه افزایش در میزان تولید و فروش فرآورده‌های دستی، اثر مستقیمی بر درآمد سرانه کشور دارد» (یاوری، ۱۳۸۰: ۱۵) و توسعه سرمایه‌گذاری و حمایت کافی در آن، رشد و شکوفایی و از طرفی افزایش نرخ اشتغال زایی و جلوگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و ... را به دنبال دارد.

صنایع و هنرهای دستی و سنتی در ایران چیزی است که سابقه و قدمتی معادل تمدن چند هزار سال‌های سرزمین دارد و ریشه‌های آن را باید در کنار سکونت گاه‌ها و در میان آثار بجای مانده از ساکنان اولیه این سرزمین جستجو کرد، اما «به طور خلاصه در قرن هفتم و هشتم و اواخر قرن سیزدهم و چهاردهم هنر صنایع دستی در اوج و تکامل و شکوفایی خود بوده است، و پس از ورود اسلام به ایران و ارج نهادن به هنرهای سنتی و دستی و بناهای اوایل دوره اسلامی و زمان سامانیان، غزنویان و سلجوقیان، پیوسته به عنوان بخشی از شاهکارهای فنی و هنر معماری ایران به شمار می‌رفته است.

نظر کلی به تاریخ نشان می‌دهد که اصالت ایرانی در پرتو درخشندگی فرهنگ خاص خود هر بار به صورتی جوانتر و شکیل‌تر و با نیروی بیشتر، راه خود را به جانب حیاتی نو آغاز کرده است» (اسفندیاری، ۱۳۸۶، پایگاه آفتاب).

صنایع دستی ایران که در کنار صنایع دستی چین و هند، سه قطب اصلی آسیا و جهان را تشکیل می‌دهد در طول تاریخ دستخوش تحولات شگرفی بوده است که امروزه با ظهور تکنولوژی و علوم جدید تا میزان زیادی جایگاه واقعی خود را از دست داده و در پاره‌ای از موارد نیز رو به فراموشی گذارده است، از جمله این موارد بخش ساخت و تولیدات محصولات فلزی و آلیاژی است که هنر- صنعت مسگری، گویاترین نمونه آن است و بحث اصلی این مقاله نیز به آن اختصاص داده شده است. بنابراین پیش از پرداختن به موضوع، بیان پیشنهادی از فلز مس در ایران و جایگاه و ویژگی‌های

خاص آن و سایر مختصات فیزیکی و ظاهری این فلز در کنار روش‌های ساخت و آماده سازی، ضروری به نظر می‌رسد، که بدان اشاره می‌شود.

۲- مسگری و پیشینه آن در ایران

۱-۲ - تاریخچه و ویژگی‌های منحصر مس

بشر پس از سنگ، گِل و استخوان برای رفع سایر نیازهایش به فلزات روی آورد و «از اهمیت فلزات همین بس که دوره‌های گوناگون تمدن بشری را با فلز خاصی که در هر دوره کشف شده و از اعتبار بیشتری برخوردار بوده است، نامگذاری کرده‌اند. در این میان نخستین عصر، «عصر مس» نام دارد» (یاوری، ۱۳۸۷: ۳۹). البته لازم به ذکر است که انسان در آغاز از فلزات به عنوان وسیله‌ای تزئینی استفاده می‌نمود و به تدریج با سایر خواص فلز آشنا شد و از آن در جهت ساخت ابزار ضروری زندگی بهره جست. چنانچه گفته می‌شود «طلا و مس نخستین فلزاتی هستند که توسط انسان شناخته شدند»^۱ (توحیدی، ۱۳۸۶: ۲). طلا به دلیل ظاهر زیبا و ویژگی درخشندگی‌اش و کمیابی، از همان آغاز فلزی گرانبها و تزئینی بود «اما مس به دلیل کاربرد عملی‌تر، به زودی مرتبه‌ای بس رفیع در پیشرفت و ترقی فرهنگ انسان به خود اختصاص داد. علت این که انسان مس را زودتر از بقیه فلزات شناخت و از آن در ساخت لوازم مورد نیازش استفاده کرد به این جهت بود که اولاً مس در طبیعت به صورت خالص یافت می‌شد، ثانیاً استخراج و بهره برداری از آن ساده بود و سومین دلیل، درخشش و جلای مس خالص و رنگ جالب توجه سنگ‌های معدنی مس بود» (توحیدی، ۱۳۸۶: ۳ و ۲). ابزارهای فلزی که از تمدن‌های پیش به ویژه مناطق خاورمیانه که خاستگاه نخستین تمدن‌ها و پیدایش ادوات و آثار هنری است بدست آمده، گواهی است بر این

- در پایان آخرین دوران یخچالی، رگه‌های برخی از فلزات که به صورت خالص در طبیعت وجود دارند مثل مس و طلا و ... در سطح زمین نمایان شدند (توحیدی، ۱۳۸۶: ۲).

ادعا که ساکنان این مناطق از هزاره‌های پیش از میلاد مسیح از کاربرد فلز، بویژه مس آگاه بوده‌اند. «این ابزارها همیشه از مس چکش خورده درست می‌شدند، چرا که آدمی تازه به خواص فلزات راه یافته بود و می‌دانست که مس، نرم و چکش خوار است ولی هنوز از هنر ریخته‌گری آگاه نبود. تمدن این دوره متعلق به واپسین سال‌های عصر نوسنگی است» (وولف، ۱۳۷۲: ۱).

خواص فیزیکی مس به گونه‌ای است که نوع خالص آن «در ۱۰۸۳ درجه سانتیگراد گداخته و در ۲۳۶۰ درجه سانتیگراد به غلیان در می‌آید. خواص چکش خواری، تورق و مفتول شدن در مس خالص به فراوانی وجود دارد و ممکن است آن را به سهولت و تحت عملیات مکانیکی به شکل‌های گوناگون درآورد» (یاوری، ۱۳۸۷: ۴۰).

در دوران اسلامی و در پی مخالفت با اشرافی‌گری و ممنوعیت استفاده از طلا و نقره برای ساخت ظروف، روند استفاده از فلزاتی چون مس بیش از پیش افزایش یافت و اجرای تزیینات گوناگونی مثل مشبک کاری، قلمزنی، حکاکی، فلز کوبی، ترصیع و کنده کاری و... سبب پیشرفت چشمگیری در این هنر و صنعت شد که اوج فلزکاری این دوران را می‌توان در دوره سلجوقیان و چند سده پس از آن، در عهد صفویه ملاحظه کرد.

بنا به گفته مسگران و به نقل از استادان این حرفه که نسل در نسل به این شغل اشتغال داشته‌اند و در طی سالیان متمادی تجارب ارزشمندی در این زمینه کسب نموده‌اند، فلز مس دارای ویژگی‌ها و خواصی است که شاید بسیاری از مردم با آن ناآشنا باشند. این هنرمندان و صنعتگران در پی توصیف پاره‌ای از خواص مس به نکاتی اشاره می‌کنند که رعایت آنها، تأثیرات ارزنده‌ای بر بدن انسان و سلامتی وی دارد:

برخی از این مسگران چنین نقل می‌کنند که در گذشته پزشکان به کسانی که از درد مفاصل رنج می‌بردند، داشتن یک دستبند مسی را توصیه می‌کردند و دلیل این امر را تماس دستبند مسی با پوست و جبران بخشی از کمبود یون‌های مسی در خون

می‌دانستند. تا چند دهه پیش نیز مردم کشورمان رسم داشتند تا برای پخت غذا (بویژه غذاهایی مثل خورشت یا آش) از قابلمه‌های مسی و ملاقه‌ها یا کفگیرهای آهنی استفاده کنند که دلیل این مورد هم بهره بردن از یون‌های مس و آهن در جهت تأمین نیازهای بدن و حفظ تندرستی بویژه سلامت کارکرد مغز بود. بر اساس نظریات پزشکی، جذب مس در روده باریک انجام می‌شود و برخی از مواد غذایی از جمله منابع حیوانی دارای مقادیری از این ماده هستند.

با استناد به تجربیات مسگران و بنا به عقیده پزشکان، کمبود یون مس باعث رخوت و احساس خواب آلودگی و کسالت در شخص می‌گردد و به همین صورت فقدان برخی دیگر از فلزات همچون آهن نیز چنین است که تمام این موارد دلیلی است بر استفاده عمده پیشینیان از این ابزار و ظروف و آگاهی نسبت به خواص ویژه (غذایی) مس.

۲-۲- مراکز، معادن و نخستین کوره‌های ذوب

یکی از مهمترین دلایل استفاده و کاربرد زیاد فلزات از جمله مس در فلات ایران از گذشته تا به امروز وجود معادن و مخازن طبیعی فراوان بوده است. «برخی مصر و یا بین النهرین را کهن‌ترین مراکز ذوب مس می‌دانند، ولی پیدایش کوره ذوب مس در ناحیه سگزآباد قزوین، در تپه قبرستان^۱ در حفريات موسسه باستان شناسی دانشگاه تهران توسط "دکتر مجید زاده" نشان داد که شاید اولین مرکز ذوب مس در فلات مرکزی ایران و در تپه قبرستان بوده است» (توحیدی، ۱۳۸۶: ۵). این امر مبین این نکته است که فلز کاران ساکن در فلات ایران از پیشگامان کشف ذوب مس در دنیای باستان بوده‌اند. «در حفاری لایه نهم تپه قبرستان، دو کارگاه ذوب مس شناسایی شد. علاوه بر کوره‌های ذوب مس تعداد قابل توجهی از آلات و ادوات که مربوط به اوایل هزاره

- تپه قبرستان در منطقه سگزآباد بوئین زهرا، حدود ۶۰ کیلومتری جنوب قزوین واقع است.

پنجم ق.م است نیز بدست آمد» (توحیدی، ۱۳۸۶: ۵). البته این امر در خصوص تپه‌های سیلک در کاشان (که مسگری، وضعیت اجتماعی و چالش‌های صنایع آن موضوع خاص تر بحث است) نیز در کنار تپه قبرستان مطرح است. چنانچه «از دوره سیلک ۳ لایه ۴ آلات و ادواتی وجود دارد که مطالعه آنها نشان داده در این دوره که تقریباً همزمان با لایه ۹ تپه قبرستان است، فلزگران سیلک موفق به ذوب مس شده‌اند و اشیاء و ابزار مورد نظر خود را در قالب‌های باز تولید کرده‌اند و یا این که این اشیاء به صورت ساخته شده از یکی از مراکز فرهنگی فلات مرکزی مثل تپه قبرستان وارد سیلک شده است» (توحیدی، ۱۳۸۶: ۲۹).

با ورود و گسترش اسلام در ایران، جایگاه فلزات (به جز طلا و نقره) در تزئینات، ظروف کاربردی و سایر هنرها محدوده خاصی پیدا کرد که طیفی از ابزار و ادوات را نیز در بر می‌گرفت. «مجموعه اصلی فلزکاری اسلامی، گلدان‌ها، ظروف یا وسایل آشپزخانه، جواهرات، ادوات نظامی، زره، ابزار و دستگاه‌های علمی را شامل می‌شد» (وارد، ۱۳۸۴: ۹). مواد اولیه این آثار از معادن سرتاسر کشور تهیه می‌شد که برخی از این منابع در طول تاریخ از دید کمی و کیفی شاخص تر و معتبر تر از دیگر موارد بوده است. «ابودلف سیاح قرن چهارم هجری و ابن حوقل در نوشته‌های خود از معادن سنگ مس نیشابور و خراسان و ابن بطوطه از معادن مس زنجان یاد کرده‌اند، در "حدودالعالم" به معدن سنگ در جیرفت و بم، در "نزهت القلوب" و "جواهرنامه" به معادن سنگ مس در آذربایجان و بخارا اشاره شده است» (توحیدی، ۱۳۸۶: ۲۰). پیش از این و در قرون اولیه اسلامی نیز مخازن متعددی مدنظر بوده است. «معادن مس کاشان، انارک، اصفهان و بخارا برای خلفای اسلامی مقارن قرن نهم مسیحی بسیار با اهمیت بود، زیرا از این معادن هر سال بیش از ۱۰۰۰۰۰ دینار خراج حاصل می‌گردید» (وولف، ۱۳۷۲: ۲).

۲-۳- ابزار و ادوات مسگری

در ساخت یک ظرف مسی از ابتدا تا پایان کار وسایل و آلات ویژه‌ای بکار گرفته می‌شود که هر کدام نیز نقش خاصی در فرم نهایی و کاربرد اثر دارند. برخی از این ادوات خود قابل تقسیم به انواع گوناگونی هستند که ذکر نام تمام آنها در این بخش محدود امکان پذیر نمی‌باشد و به گفته خود مسگرها دفتری مجزا و مفصل را می‌طلبند. هنرمندان مسگر، این ابزار را همچون ظروف و سایر تولیدات مسی تا چند صد نوع و گونه بر می‌شمرند و شناخت و بکارگیری هر مورد را نیازمند تخصص و تجربه‌ای چندین ساله می‌دانند. در زیر به بخشی از این ابزارها تا حد امکان در قالب تصویر اشاره شده است.



تصویر ۱- سندان دو سر



تصویر ۳- انواع انبر



تصویر ۲- سندان و میل قلوه



تصویر ۴- انواع چکش مسگری

تصویر ۵- نا و تاره- برای انجام کارهای بزرگ و سنگین

۲-۴- تکنیک‌ها و هنرهای مرتبط

مهمترین ویژگی و خواص فلزات که آنها را از سایر مواد، متمایز و برتر نموده است خاصیت استحکام، رنگ و جلا، قابلیت چکش خواری، تورق، ذوب و استقامت در مقابل ضربه، فشار و عوامل جوی مخرب می‌باشد. آنچه‌آن که اشاره شد فلز مس با داشتن قابلیت‌هایی مثل چکش خواری و شکل پذیری، قابل یافت بودن به طور خالص در طبیعت و داشتن رنگ و جلای زیبا، از گذشته مورد توجه انسان‌ها بوده است. شواهد و مدارک در دست، گویای این امر است که «نخستین استفاده از مس و تبدیل آن به آلات و ابزار، از طریق کوبیدن و چکش خواری بوده است» (توحیدی، ۱۳۸۶: ۴). این گونه چکش خواری که بر سختی و شکنندگی این فلز می‌افزود و آن را مهیای کار

و تولید می‌ساخت، در ابتدا بدون حرارت انجام می‌گرفت که به آن چکش کاری سرد می‌گویند. «در مرحله بعد، استفاده از حرارت بصورت گداختن فلز و چکش کاری بود که در این مرحله حرارتی حدود ۵۰۰ درجه سانتیگراد به فلز داده می‌شد تا انعطاف پذیری فلز بیشتر شده و فلز نرم شود [...] مرحله نهایی استفاده از مس در ساخت اشیاء، ذوب مس و ساخت اشیاء از طریق ریخته‌گری و قالب‌گیری بود» (توحیدی، ۱۳۸۶: ۵).

امروزه فلز کاران برای تهیه مس معمولاً از اسقاطی‌های مس و در برخی موارد نیز از شمش‌ها و ورق‌های آماده استفاده می‌کنند. سازندگان محصولات مسی «پس از تهیه شمش، آن را به کارگاه نورد منتقل می‌کنند، تا پس از نورد، ورق‌های مسی با ضخامت‌های مورد نیاز که معمولاً خیلی کم و در بعضی اوقات به ۰/۹ میلیمتر می‌رسد، را تحویل گیرند» (یاوری، ۱۳۸۷: ۴۷). این ورق‌های نازک پس از انتقال به کارگاه‌ها به شیوه‌های گوناگون برای کار آماده می‌گردند. شیوه‌هایی مثل چکش کاری یا خم کاری و مراحل هم‌چون چرخ کاری، سوهان کاری، سفید کاری، قلم زنی، حکاکی، صافکاری و چسباندن قطعات و سیاه کاری که هر یک ابزار، تکنیک و اصول و تخصص خود را می‌طلبد و هر کدام مبحثی است مستقل برای خود. مراحل دیگری همچون نشان دادن سنگ‌ها و یا جواهرات زینتی نیز در کنار این هنر-صنعت، از دیر باز وجود داشته است که روی هم رفته مسگری را به یکی از هنرهای دستی نفیس تبدیل کرده است.

لازم به یادآوری است که در این میان، سفیدکاری و قلم‌زنی مس از جمله مهمترین تکنیک‌های آماده سازی و زیبا سازی ظروف و ابزار مسی است. می‌دانیم که درون مس قرمز غذا پخته نمی‌شود و باید برای این کار ابتدا سطح آن را سفید کرد تا ترکیبات مضر آن از میان برود. سفیدگری را در کارگاه جداگانه‌ای که خاص این کار است انجام می‌دهند. در این روش، سفیدگر قلع را با نیشادر (Neshador) مخلوط کرده و از آن استفاده می‌کند. رنگ ظرف سفید شده بنا به مرغوبیت ۶ ماه تا ۲ سال ثابت می‌ماند و پس از این مدت، عمل سفیدگری باید دوباره تکرار گردد تا ظرف مورد نظر بار دیگر جلای خود را بدست آورد و قابل استفاده شود.

اما تکنیک قابل ملاحظه دیگر، قلمزنی است. قلمزنی عبارت است از: تزئین و کندن نقوش بر روی اشیای فلزی بویژه مس و یا به عبارتی، ایجاد خطوط و نقوش به وسیله قلم خاص فلزکاری و ضربه چکش بر روی اجسام فلزی. این تکنیک با ارزش و زیبا از جمله رشته‌های هنرهای سنتی ایران است و می‌توان آن را در زمره شاخه‌ای از صنایع دستی (هنرهای صناعی) دانست.

امروزه برای قلمزنی نخست داخل یا زیر ظرف یا سینی مورد نظر را از محلول قیر و گچ پر می‌کنند تا صدای ناشی از ضربات قلم کمتر به گوش رسد و همچنین مانع از سوراخ شدن ظرف یا وسیله مسی شود. سپس نقش مورد نظر را روی ظرف رسم کرده و قلم مناسب را انتخاب می‌کنند و بدین ترتیب با ضربات چکش، نقوش مورد نظر را با مهارت و تسلط خاص این تکنیک، پیاده می‌سازند. در پایان، محصول ساخته شده را حرارت داده و قیر را از آن جدا می‌سازند.



تصویر ۶- شمش و ورقه‌های مسی

۳- بازار کاشان و حرفه مسگری

مسگری صنعتی است که از گذشته در مناطق و شهرهای گوناگون کشور رواج داشته است و تا چند ساله اخیر نیز از رونق و شکوفایی ویژه‌ای برخوردار بوده به طوری که در برخی شهرها بازاری با عنوان بازار مسگرها وجود داشت که به هنرمندان این هنر و صنعت اختصاص داشت.

بازارهای مسگری واقع در استان خراسان، کرمان، اصفهان، تهران، زنجان، تبریز و یزد از جمله مراکز تاریخی و شناخته شده‌ای هستند که هر یک زمانی از قطب‌های فلزکاری ایران به شمار می‌آمدند. شهر کرمان که از گذشته تاکنون با نام‌های زیره و مس برای مردم شناخته شده است و بازار مسگری آن که قدمتش به دوره صفویه می‌رسد، زمانی تولید کننده بخش عمده‌ای از نیازهای زندگی روزمره و وسایل معاش، اعم از کاربردی و تزئینی بوده است.

کرمان به دلیل دارا بودن معادن بزرگ مس در سرچشمه، بردسیر و شهر بابک، به گفته باستان شناسان از حدود پنج هزار سال پیش، مرکز مهم تولید مس به خصوص ظروف مسی بوده و بنا به گزارشات منتشر شده، در منطقه «تل ابلیس» در شهرستان بردسیر کرمان، کوره‌هایی جهت ذوب مس قرار داشته که قدمتی چند هزار ساله دارند.

نمونه آثار مسی تولید شده تا دهه‌های پیشین نیز، حاکی از فعالیت و حیات حرفه مسگری در دکان‌های ضلع شمالی و شرقی میدان گنجعلی خان واقع در بازار کرمان بوده و امروزه تنها چیزی که از این بازار قدیمی و صنعت تاریخی آن به جای مانده است، مجسمه‌ای از یک مرد مسگر در ابتدای بازار است.

در بازار پنجه علی از قرن نهم هجری یزد که هسته اصلی بازارهای یزد را تشکیل می‌دهد نیز به همین ترتیب می‌توان نشانه‌های رکود و خاموشی هنر- صنعت فلزکاری بویژه مسگری را مشاهده نمود. بنا به گفته کسبه و اهالی این بازار قدیمی، در گذشته بیش از ۶۰ مغازه مسگری در راسته بازار فعال بوده‌اند و ظروف مسی متنوعی می‌ساختند که از این تعداد، در حال حاضر اندکی بیش باقی نمانده است.

بازار قدیمی شهر کاشان یکی دیگر از این اماکن است که امروزه همچون سایر مراکز یاد شده، کمتر دکان مسگری یا بقایایی از این صنعت را می‌توان در آن یافت. این بازار که بنا به اقوال اهالی، کاسبان و معدود مسگران حاضر در آن و بر اساس اسناد و مدارک، زمانی سراسر، حجره و کارگاه مسگران بوده است، در حال حاضر به بازاری عمومی برای فروش اجناس و اقلام روزمره تبدیل شده است. این بازار از مهمترین آثار تاریخی شهر کهن و باستانی کاشان می‌باشد که مجموعه‌ای است با ارزش و شامل بازار، سرا، مسجد و زیارتگاه که هر یک در دوره‌ای خاص ساخته شده‌اند. «یکی از دوران‌های اوج و شکوفایی بازار کاشان به قرن دهم هجری باز می‌گردد، یعنی در دوره صفویه بویژه در زمان سلطنت شاه عباس اول که علاقه و محبت خاصی به کاشان داشته است... در این زمان بود که بازار کاشان گسترش یافته و سراها و کاروانسراها و بازارچه‌ها و مغازه‌های متعددی ساخته شد» (شاطری، ۱۳۸۷: ۲۱). همان طور که گفته شد بازار یاد شده از قسمت‌ها و بخش‌های متعددی تشکیل می‌شود که همگی نشان از اهمیت و گستردگی این مکان تاریخی دارند. بازار کاشان در حال حاضر از تقاطع خیابان بابا افضل و میدان کمال الملک تا حدود دروازه دولت ادامه دارد. چنانچه از طرف میدان تاریخی فیض و از جلوخان مسجد زیبا و تاریخی میرعماد وارد بازار شویم در سمت شرقی، بازار مسگرها مشتمل بر کاروانسرای ذغالی‌ها و کاروانسرای میرپنج و سرای غفارپور و مسجد و حسینیه رباط قرار گرفته است. تا چندین سال پیش با ورود به بازار مسگرها، صدای آهنگین پتک‌های مسگران گوش‌ها را نوازش می‌کرد ولی با جایگزین شدن فلزات سبک در ساخت ظروف خانگی و بی‌رونق شدن صنعت مسگری سنتی، این بازار چهره‌ای متفاوت یافته است.

از سمت غرب که به بازار وارد شویم از ابتدای بازار تا انتهای آن که بازارچه

پانخل نامیده می‌شود بناهای زیبا و تاریخی‌ای به چشم می‌خورند که عبارتند از:

کاروانسرای گمرک، کاروانسرای نو، سرای نراقی‌ها، حمام خان، سرای زرکش‌ها، سرای قمی‌ها، قیصریه، سرای آب انبار، سرای چهارگوش، تیمچه حاج محمد صادق، تیمچه

معروف امین‌الدوله، مدرسه و مسجد میانچال (آیت‌الله العظمی مدنی)، مسجد تبریزی‌ها، سرای ملک، تیمچه سید آقا (برقی)، مسجد کفش‌دوزها، زیارت درب زنجیر، آب انبار درب زنجیر، مدرسه و مسجد امام خمینی (ره) (سلطانی سابق)، زیارت شاه سلیمان، آب انبار گذر نو، مسجد گذر نو، حمام گذر نو، حسینیه پانخل و بقعه امام زاده قاسم. ضمناً مراکز گوناگون فرش فروشی و صنایع دستی و سوغات کاشان نیز در بازار وجود دارد.

در منابع تاریخی آمده است که در این مکان «در عمل نساجی و شعر بافی، استادان کامل و نقش‌بندان ماهر به ظهور می‌آید، از اطلس و صوف و فناویز و خارا و زری‌های الوان و مشجر و محرمات و مخمل یک رنگ و [...] ولی عمل مسگری و متفرعات آن از قبیل گدازندگی و چرخ‌گری و سفیدگری بغایت رواج است و عمل مسگری این سامان در کل ممالک محروسه ایران منحصر بود [...]» (کلانتر ضرابی، ۱۳۴۱: ۲۲۷). در این بازار علاوه بر این، کسب و کار و رونق و تجارت در کنار صنعت و سنت و هنر تا حدی بوده است که گفته‌اند: «در دکان‌ها همه استادان کامل نحاس [مسگر] و در کاروانسراها همه حجرات استادان چرخ‌گر و سوهان‌گر و سفیدگر و چرخ‌ساز و کنده‌کار و گدازنده^۱ و غیره که همه از ملزومات و متفرعات عمل نحاس است سال به دوازده ماه مشغول ساختن و پرداختن انواع و اقسام مسینه آلات هستند و الحق چه خوب از عهده بر می‌آیند» (کلانتر ضرابی، ۱۳۴۱: ۲۲۷).

با وجود این مدارک، در طول تاریخ، جهانگردان و سیاحان متعددی نیز از بازار دیدن کرده‌اند و در توصیف بازار، حرفه‌ها، صنایع و مشاغل آن در سفر نامه‌ها و خاطراتشان نکاتی ارزشمند را به جای گذاشته‌اند. «مادام دیولافوا» جهانگرد فرانسوی که در اوایل قرن حاضر از کاشان دیدن نموده است؛ از بازار مسگرها که در آن چهار

۱- پیش از آمدن کارخانه نورد مس که ورقه مس را با آن تهیه می‌کنند مراکز بزرگ مسگری مانند کاشان، اصفهان، شیراز، کرمان و دیگر جاها دارای گروهی کارشناس در ساخت ورقه‌های مس بودند که آنها را «گدازنده مسگر» می‌نامیدند. جاهای کوچکتر، کار مس‌گذاری را خود مسگر انجام می‌داد.

صد نفر صنعتگر در یک نقب طولانی مشغول ساختن مس هستند به عنوان یکی از نقاط تماشایی مشرق زمین نام می‌برد» (شاطری، ۱۳۸۶: ۲۰). در کنار مادام دیولافوا، سیا حان دیگری چون پیتر و دلاوله (قرن ۱۷ م) و تاورنیه^۱ و چندین جهانگرد دیگر نیز مطالبی پیرامون کاشان، بازار مسگرها، و فرهنگ و سایر خصوصیات این شهر و هنر آن نقل کرده‌اند که همگی حاکی از رواج و اعتلاء صنعت مسگری و مطرح بودن این هنر سنتی در این شهر بوده است، تا آنجا که «جهانگرد فرانسوی دیگری به نام «پیر کوتی» کاشان را شهر مسگرها نامیده است» (شاطری، ۱۳۸۶: ۲۰).

اما با وجود تاریخ کهن این شهر و بازار آن^۲ که زمانی فعال در زمینه هنر فلز کاری بوده و از نقاط تولیدی و فرهنگی ایران بشمار می‌رفته است، امروز شاهد رکود و افولی قابل توجه هستیم که در کنار فرا گرفتن اغلب هنرهای سنتی، مسگری را نیز شامل شده است. امروزه با جایگزینی اشیاء و ظروف چینی، ملامین، بلور و ظروف فلزی دیگر همچون روی، این صنعت تاریخی و با پشتوانه، رو به زوال نهاده، تا آنجا

۱- پیتر و دلاوله که در سال ۱۶۱۷م از کاشان بازدید کرده درباره بازار کاشان چنین می‌نویسد: در داخل شهر طبق معمول سقف بازار پوشیده است و در طرف آن، ساختمان‌های نسبتاً خوبی وجود دارد. در وسط بازار، چهار سوق زیبایی واقع شده که دیوارهای اطراف آن نو و سفید و تمیز و دارای پنجره‌ها و ایوان‌های متعددی است (سفرنامه پیتر و دلاوله).

همچنین تاورنیه فرانسوی نیز درباره کاشان و بناهای آن می‌گوید: بازارهای کاشان خیلی زیباست و به اتاق‌های خوب پوشیده شده است، کاروانسراها هم بزرگ و راحت، بویژه یکی از آنها خیلی عالی است که نزدیک باغشاه دولتخانه واقع شده است.

۲- درباره پیشینه و تاریخ این بازار، بر روی در چوبی بزرگ سرای معروف به ذغالی‌ها در بازار مسگرها- حد فاصل دروازه دولت تا مسجد میدان- این بیت کنده کاری شده است:

ای نفع خلایق چو کرد بنیادش / به سال هشتصد و هشتاد و هشت معمور

بنا بر این اثر، قدمت بازار به قرن نهم هجری باز می‌گردد، اما وجود مسجد میرعماد که در میان بازار قرار دارد، پیشینه تاریخی بازار را فراتر از قرن نهم می‌برد. محراب کاشی این مسجد که در سال ۶۲۳هـ ق توسط حسن بن عربشاه ساخته شده است (اکنون این محراب گرانسنگ در بخش اسلامی موزه برلن نگاهداری می‌شود) گویای اثبات این ادعاست که قدمت تاریخی بازار به قرن‌های اولیه اسلام بر می‌گردد.

که متأسفانه در سال‌های اخیر با بی توجهی به آن، به جزء معدودی افراد، دیگر از آن استاد کاران حرفه‌ای و صدای ضرباهنگ چکش کاران چیزی باقی نمانده است.



تصویر ۷- انواع ظروف و لوازم مسی

از آن تعداد بی شمار مسگری که در طی چند دهه پیش در بازار کاشان به این حرفه مشغول بوده‌اند، در حال حاضر تعداد انگشت شماری باقی مانده‌اند که عموماً فرزندان و نوادگان مسگران گذشته‌اند^۱ و این هنر را سینه به سینه تا به امروز رسانده‌اند. اینان با حفظ همان سنت‌های دیر پای، همچنان در حجره‌های خود مشغولند که البته میزان فعالیت و تولیدات‌شان همراه با کاهش درخواست و تقاضا، تنها محدود به پاره‌ای ظروف معمولی و مرسوم شده و بسیار کاهش یافته است.

به گفته صنعت کاران امروز بازار، مسگران کاشان در گذشته‌ای نه چندان دور، از قدرت و نفوذ اجتماعی بالایی برخوردار بودند و در تمام شعب و حوزه‌های شهری تاثیر داشتند. این تاثیر حتی تا بدانجا بوده است که گفته می‌شود نرخ بیشتر اقلام و

۱ - نام این استادکاران و هنرمندان در فهرست مصاحبه‌ها در آخر مقاله بیان شده است و تاریخ گفت و گو و مصاحبه با آنها در اواخر بهار، اوایل تابستان و اوایل پاییز ۱۳۸۹ بوده است.

اجناس را مسگران تعیین می‌نمودند و در سایر مشاغل، مثل قالی بافی، نقشه‌کشی، رفوگری و رنگرزی و برخی مسائل شهری هم نقش کلیدی داشته‌اند.^۱ آنها دارای اصطلاحات، آداب و مراسم و گاهی حرکات خاص و منحصر به حرفه‌شان^۲ بودند و به دلیل شغل و پیشه و کالاهای تولیدی مورد نیاز مردم، همواره در کانون توجه قرار داشتند. چنانچه مس و ظروف و وسایل مسی از اجزای مهم و جدایی ناپذیر در جهاز عروس و مراسم ازدواج محسوب می‌شده است و میزان دارایی خانواده را تعیین می‌نموده است. در آن زمان هر مسگری در بخش خاصی فعالیت می‌نمود و کارها چنان بود که هر هنرمندی تخصص ویژه‌ای را در یک یا تعداد محدودی کار و زمینه دارا بود.

۱- بنا به گفته مسگران حاضر در این بازار و بر اساس آنچه که از پدران خود نیز شنیده‌اند، مسگرها میان خودشان حتی قاضی هم داشته‌اند، به عنوان نمونه شخصی بنام میرزا اسدالله، داروغه بازار در آن زمان بوده است.

۲- به عنوان مثال (بنا به اقوال مسگران حاضر) مسگرها دارای شوخی‌ها و گفتار و رفتار خاص حرفه‌ای خودشان بوده‌اند و گاهیبا ایما و اشاره و یا حتی ضربات چکش با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کرده‌اند و از اصطلاحات خاص نیز استفاده می‌نموده‌اند که همگی حاصل تجربه کاری آنها بوده است. در میان مسگرهای گذشته، مراسم خاصی هم وجود داشته که از جمله آنها «لُتُو» یا جشن آبریزان بوده که جزئی از سنت‌های اجتماعی آنان محسوب می‌شده و تا چند دهه پیش نیز رواج داشته است و به طور خلاصه چنین بوده: این رسم قدیمی در یکی از روزهای گرم مرداد ماه برگزار می‌گردیده است. پیشکسوتان این حرفه با تجمع در منزل رئیس این صنف، روز آن جشن را مشخص کرده و به صورت مجرمانه و سری نگه می‌داشتند. در صبح آن روز که همه مشغول به کار بودند یک مرتبه آن چند نفر فریاد می‌زدند امروز «لُتُو» است. سریعاً مغازه را تعطیل و سر و صورت خود را سیاه کرده و یک چوبدستی و کاسه مسی پر از آب برداشته و به سوی سرای گمرک که حجره رئیس صنف در آن محل قرار داشته رفته و با ریختن آب به روی یکدیگر به جشن و شادمانی می‌پرداختند و رئیس صنف نیز با دادن تحفه و هدیه به پیشکسوتان از آنان قدردانی کرده سپس به سوی بازار حرکت کرده، بقیه اصناف نیز از ترس اینکه مبادا مسگران آنها را سیاه یا خیس کنند، دکان‌های خود را بسته و با دادن هدیه به مسگرها، جلوی اذیت و آزارشان را می‌گرفتند. سپس به سوی سرای دولتخانه رفته، مشکلات و سختی‌های حرفه خود را با حاکم در میان می‌گذاشتند و حاکم علاوه بر قول مساعدت در جهت رفع مشکلات آنان به برخیاز مسگرها، هدیه و تحفه به رسم یادگار می‌داد (شاطری، فصلنامه فرهنگ مردم، ۱۸۰).

به این صورت سازمانی متشکل از چندین بخش و تخصص وجود داشت و کارها در قالب گروه دنبال می‌شد.



تصویر ۹- ظرف مسی



تصویر ۸- سینی و کاسه‌های مسی



تصویر ۱۰- نمونه ظرف مسی ساخته شده با دستگاه‌های جدید



تصویر ۱۲- آقاجان زاده ° از مسگران قدیمی بازار کاشان

تصویر ۱۱- برادران آقاجان زاده ° از مسگران قدیمی بازار کاشان





تصویر ۱۴- محمد صداقت ° از مسگران قدیمی بازار کاشان

تصویر ۱۳- محمد شاهرودیان ° از مسگران قدیمی بازار کاشان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتنا جامع علوم انسانی
تصویر ۱۵- اکبر الماسی

۴- علل افول و انزوای صنایع کهن و سنتی در دوره معاصر

روند رشد و توسعه در جوامع امروزی به ویژه ایران به گونه‌ای است که سبب شده به دلیل پاره‌ای مسائل و موانع، صنایع کهن از جایگاه واقعی خود فاصله بگیرند و از نقش

آفرینی در عرصه‌های هنری، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دور بمانند و با چالش‌های اساسی روبرو شوند. در مجموع «از پایان دوره صفوی به بعد، به تدریج شاهد از رونق افتادن فلز کاری در ایران هستیم، به گونه‌ای که آثار فلزی دوره‌های افشاریه، زندیه و قاجاریه به هیچ وجه نمی‌تواند در مقام قیاس با آثار دوره‌های سلجوقی و صفوی قرار گیرد» (یاوری، ۱۳۸۷: ۳۰). امروزه نیز صنایع اصیل ایران با طی فراز و فرودهایی، همچنان در دوره انزوای خود به سر می‌برند و نیازمند پیگیری و چاره‌جویی‌های جدی می‌باشد.

از بررسی‌هایی که تاکنون بویژه در چند ساله اخیر، پیرامون مسئله حفظ و تداوم سنتها در حوزه هنر و صنایع دستی صورت گرفته و آنچه که نگارندگان این متن نیز در خصوص توقف نسبی و تنزل جایگاه هنرهای سنتی به ویژه مسگری، از هنرمندان فعلی این صنعت بدست آورده‌اند، نکات مهم و ارزنده‌ای حاصل می‌گردد که لزوم توجه و تلاش در پی رفع و هماهنگی را از جانب کارشناسان این حوزه می‌طلبد.

امروزه شاید بتوان گسترش فن آوری و علوم جدید را در تمام عرصه‌های زندگی و به طور اخص هنرهای سنتی (من جمله مسگری)، در تمام مراحل طراحی، ساخت، تولید، بازار و فروش؛ مهمترین عامل باز دارنده در ادامه حیات هنرهای کهن دانست. از طرفی فقدان افراد متخصص و کارشناس، فقدان مراکز آموزشی و اطلاع رسانی، عدم وجود نوآوری، استفاده از مواد اولیه نامرغوب و سطح کیفی پایین محصولات، عدم انجام تحقیقات راهبردی و موثر، نبود راهبرد صادرات، عدم تبلیغات و بازاریابی داخلی و خارجی، بها ندادن کافی به پیشه‌وران و هنرمندان قدیمی این حوزه و بسیاری مسایل دیگر، همگی از عمده‌ترین تنگناها و محدودیت‌های پیش روی این صنایع و به ویژه مسگری هستند. به این جهت به مرور زمان در حوزه فلز کاری سنتی، علاوه بر تغییر نگرش مردم از ظروف مسی به سایر انواع ظروف و وسایل با مواد دیگر، دلایل گوناگون ثانویه همچون گرانی مواد اولیه (مانند ورقه‌های مسی)، محدودیت بازار، کاهش مراکز عرضه و ... این رکود و افت را دو چندان نموده است.

مسئله جهانی سازی و گردهمایی دولت‌ها و ملت‌ها در دهکده‌ای جهانی نیز موضوعی است کاملاً موثر بر سنت و تاریخ کشورها و همچنین بر رشد و بقای صنایع پیشین و تاریخی آنها. جهانی سازی در عصر حاضر در پی ایجاد فضایی نزدیک میان ملت‌ها و فرهنگ‌هاست و از میان بردن مرزهای ملیتی و فرهنگی را در رأس برنامه‌های خود دارد. «با این همه هر چند فرایند جهانی شدن با تفاوت‌های عناصر بومی و منطقه‌ای معنا می‌گیرد، اما این خطر نیز وجود دارد که حوزه این عناصر به دلیل عدم توانایی در همگون سازی خود با شرایط جدید از بین برود» (حسینی، ۱۳۸۸، پایگاه آفتاب). از این رو، لزوم آموزش‌های کار بردی و اطلاع رسانی‌های لازم در کنار عوامل راهبردی دیگر، باید در دستور کار قرار گیرند که به بیان پاره‌ای از اساسی‌ترین موارد آنها می‌پردازیم.

۵- بررسی و راهکارها

کارشناسان معتقدند که رمز ماندگاری و حیات هنرهای سنتی بویژه در ملل کهن و دارای پیشینه تاریخی، در گرو نگاه کیفی و برنامه‌ای به این گونه صنایع و هنرهاست. هنر- صنعت مسگری در ایران در کنار سایر شاخه‌های صنایع دستی، از ابعاد گوناگونی قابل بررسی و تحلیل است که جنبه‌های هنری، اقتصادی و اجتماعی آن از وضعیت ویژه‌ای برخوردار است. «بُعد هنری آن در بر گیرنده ارزش‌ها و فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی است و در بُعد اقتصادی نیز ضرورت ایجاد می‌کند که این صنعت برای ادامه فعالیت صنعتگران و تولیدکنندگان به سمتی سوق پیدا کند تا به جایگاه مناسبی که موجب توسعه بازار جهانی و صادرات، ارز آوری و افزایش درآمد غیرنفتی است دست یابد و سهم و نقش اساسی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور داشته باشد» (عسگری، ۱۳۸۵، پایگاه آفتاب). بُعد اجتماعی این صنایع نیز مراتب و ویژگی‌های منحصری را در خود داراست و به طور کل حاکی از «آداب و رسوم، عادت‌ها و سنت‌ها و در مجموع، فرهنگ بومی و معنوی آن جامعه است» (یاوری، ۱۳۸۰، ۱۶). بنابراین حفظ و توسعه این ارزش‌ها و از طرفی هماهنگی و همراستا بودن با تحولات

روز، از مهمترین مسائلی هستند که با برنامه ریزی‌ها و مدیریت‌های صحیح، قابل اجرا و پیاده سازی می‌باشند.

بدین منظور برای رساندن سطح کمی و کیفی صنایع فلزی به حد مطلوب و خارج نمودن آن از حالت موزه‌ای و یا صرفاً دکوری، بر اساس تحقیقات و بررسی‌های انجام شده، رعایت پاره‌ای نکات و پیشنهادهای اساسی، ضروری و اجتناب ناپذیر است. در این میان شاید مهمترین رویکرد، استفاده از فن آوری در کنار حفظ اصالت‌های بومی، ملی و هنری است که خود نیاز به آموزش‌ها، مطالعات و تحقیقات جامع و مستمر دارد و به برنامه‌ریزی‌های بلند مدت محتاج است. علاوه بر این و در مرحله بعدی، حمایت و پشتیبانی از نیروی انسانی (استادکاران، پیشکسوتان، سرمایه‌گذاران، هنرمندان، تولیدکنندگان و ...) و پوشش بیمه‌ای و خدماتی، شرط اصلی حفظ و بقا و انتقال این دانش به نسل‌های بعدی است. در جهت این هدف مهم، از نقش پررنگ زنان و دختران نیز نباید غافل ماند و ایجاد فضای مطلوب و تامین امکانات و شرایط برای آنان را باید در الویت قرار داد.^۱ ایجاد کارگاه‌های تولیدی در فضاهای شهری و مناطق روستایی و ارائه تسهیلات بانکی و حمایت‌های مالی و از طرفی برپایی بازارچه‌های گوناگون عرضه محصولات این پیشه و یا سایر نمایشگاه‌های داخلی و خارجی نیز عواملی هستند موثر در جهت حفظ و اشاعه فرهنگ‌ها و سنت‌ها.

آنچنان که گفته شد، صنایع کهن و سنتی تلفیقی از هنر و صنعت هستند که علاوه بر داشتن زیبایی و حالت تزئینی، جنبه کاربردی نیز دارند. از این رو برخی کارشناسان معتقدند که «امروزه آنچه در مورد صنایع دستی ما از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است اندیشیدن به کاربردی شدن آنهاست، زیرا در این صورت صنایع دستی از حالت دکوری یا کمتر مورد مصرف بودن خارج شده و در بستری فراخ تر گوشه‌ای از زندگی مصرفی

- البته واضح است که این امر در مورد سایر صنایع که نیازمند کار و فعالیت جسمانی کمتر و ملایم تر است صادق می‌باشد و مسگری را که حرفه‌ای عموماً مردانه است کمتر شامل می‌شود (مگر در تزئینات و سایر موارد).

را پر می‌کنند و ناگفته پیداست که با کاربردی شدن صنایع می‌توان آنها را وارد معادلات اقتصادی کرد و از این رهگذر خودبخود به تبلیغات نیز توجه خواهیم داشت که در پس زمینه همین تبلیغ و عرضه و تقاضا، فرهنگ خود را هم وارد مناسبات جهانی کرده‌ایم» (حسینی، ۱۳۸۸، پایگاه آفتاب). در کنار همه این عناصر و عوامل، اشاعه فرهنگ استفاده و صیانت از صنایع و هنرهای سنتی و محصولات فلزی کشورمان، از دیگر اصولی است که باعث رشد و ارتقاء این حوزه می‌گردد که در این راستا نقش رسانه‌ها و ارتباط آنها با سایر پایگاه‌ها از جمله دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی، نقشی تعیین کننده است.

نتیجه‌گیری

- ۱- صنایع دستی بنابر تعاریف، بخشی از هنرهای سنتی محسوب می‌شوند که در آن، هنر و صنعت با یکدیگر آمیخته و در متن زندگی فردی و جمعی قرار می‌گیرند. این هنر و صنعت به دلیل دارا بودن یک سری ویژگی‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است که برخی از مهمترین آنها بدین قرار است:
 - داشتن ارزش و بار هنری، فرهنگی و تاریخی که بیانگر پیشینه تاریخی و فرهنگی جامعه است.
 - بومی بودن و عدم وابستگی به منابع یا کارشناسان خارجی.
 - توانایی بالقوه بالا در ارتقاء سطح مسائل اقتصادی (اشتغال، درآمدزایی و ...)، فرهنگی (توریسم و ...) و اجتماعی (بیکاری، مهاجرت و ...).
 - قابلیت توسعه و عدم نیاز به سرمایه کلان.
- ۲- مسگری از جمله هنرهای فلزی و شاخه‌ای از صنایع دستی و هنرهای سنتی ایران است و فلز مس از نخستین فلزاتی است که در ایران در هزاره‌های پیش از میلاد

کشف شده و کاربرد داشته است. این کاربری در دوران اسلامی گسترش بیشتری یافته است و در متن زندگی (هم از دید کاربردی و هم تزئینی) قرار گرفته است.

۳- در گذشته هنر فلز کاری به ویژه مسگری رونق زیادی داشته است و بازارها و بازارچه‌هایی برای آن در شهرها وجود داشته است که مسگران در آنها انواع ظروف و ابزار زینتی و کاربردی را تولید می‌کرده‌اند؛ از جمله این بازارها، بازار شهر کاشان (مربوط به عهد سلجوقی) است که امروزه متأسفانه این صنعت در آن رو به کاستی و فراموشی نهاده است.

۴- فلز مس در گذشته در مقایسه با سایر موارد از جایگاه بالاتری برخوردار بوده است. نرمی، شکل پذیری، رنگ و جلا و ... از دلایل مهم در کاربرد فراوان این فلز بوده است. امروزه با گسترش مواد جدید و شیمیایی و جایگزینی سایر ظروف و لوازم مدرن، هنر-صنعت مسگری با اُفت بی سابقه‌ای روبرو شده است که برخی از دلایل مهم آن عبارتند از:

- عدم حمایت کافی از این حرفه و هنرمندان آن
- ورود اسباب، لوازم و ظروف متنوع و جدید از جنس‌های گوناگون به بازار و زندگی مردم، و از سویی تغییر نگرش مردم همراه با رشد تکنولوژی و عدم آگاهی کافی از سابقه فرهنگی کشور
- فقدان آموزش‌ها، اطلاع رسانی‌ها و مدیریت‌های لازم در جهت حفظ و اشاعه صنایع کهن و سنت‌های گذشته
- کاهش تقاضا و کاهش مراکز عرضه و رونمایی و از سویی عدم وجود نوآوری و عدم هماهنگی با علم روز و سلاقی جدید
- عدم انجام تحقیقات راهبردی و فقدان تبلیغات موثر و بازاریابی داخلی و خارجی
- نبود راهبرد صادرات و از طرفی واردات بی رویه کالاهای خارجی (به ویژه

چینی)

۵- حفظ سنت‌های گذشته و حمایت از هنرهای سنتی و کهن در راستای هماهنگی و همسویی با تحولات روزافزون، از جمله مهمترین وظایف و ارکان ملی و فرهنگی و هنری هر جامعه‌ای است که دارای سابقه طولانی در هنر و صنعت می‌باشد. هنر- صنعت مسگری که زمانی در راس هنرهای دستی و فلزی قرار داشت و حاکی از جایگاه و ارزش بالای صنایع دستی ایران بود، امروزه به دلایل بیان شده، افول بی‌سابقه‌ای داشته است و حتی تا مرز فراموشی نیز پیش رفته است. رونق مجدد و احیای هنرهای سنتی بویژه فلزی، مسال‌های است جدی و نه چندان ساده؛ که نیازمند برنامه، مدیریت، بررسی و تحقیقات اصولی و همه جانبه است. اساسی‌ترین نکات، پیرامون تحقق یافتن این مهم، راهکارها و پیشنهادهایی است که به برخی از آنها می‌توان چنین اشاره کرد:

- استفاده از فناوری و دانش روز و ایجاد تنوع و نوآوری در محصولات فلزی با حفظ اصالت‌های بومی و فرهنگی
- ایجاد مراکز تحقیقی و آموزشی و الزام همکاری موسسات هنری و دانشگاه‌ها
- حمایت ویژه از تمام دست اندرکاران حرفه‌های سنتی و مشاغل در حال رکود (از جمله پوشش‌های خدماتی و بیمه‌ای، تسهیلات و حمایت‌های مالی و ...)
- آموزش و انتقال نسل به نسل تکنیک‌ها و تشویق صنعت کاران خلاق و نمونه
- لزوم کاربردی کردن صنایع برای حضور بیشتر در زندگی
- شناساندن فرهنگ و هنرهای سنتی به سایر ملل و کشورها (تبلیغات داخلی و خارجی).

منابع
کتاب‌ها

جایگاه اجتماعی صنایع دستی و هنرهای سنتی ... ۱۸۳

- احسانی، محمدتقی. (۱۳۸۲)، *هفت هزار سال هنر فلزکاری ایران*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- توحیدی، فایق. (۱۳۸۶)، *مبانی هنرهای نگارگری، سفالگری، بافته‌ها و منسوجات، معماری، خط و کتابت*، تهران: نشر سمیرا.
- شاطری، علی اصغر. (۱۳۸۶)، *هنرمندان کاشان*، کاشان، انتشارات مرسل.
- شاطری، علی اصغر. (۱۳۸۷)، *آثار تاریخی کاشان*، کاشان، نشر همگام با هستی.
- کلانتر ضرابی، عبدالرحیم (سهیل کاشانی). (۱۳۴۱)، *تاریخ کاشان*، به انضمام یادداشت‌هایی از اللهیار صالح و بکوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین، چاپ دوم.
- وارد، ریچل. (۱۳۸۴)، *فلزکاری اسلامی*، ترجمه: دکتر مهناز شایسته‌فر، تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی، بهار.
- وولف، هانس ای. (۱۳۷۲)، *صنایع دستی کهن ایران*، ترجمه: دکتر سیروس ابراهیم زاده، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- یاوری، حسین. (۱۳۸۹ الف)، *آشنایی با هنرهای سنتی ۱*، تهران: انتشارات دانش جهانگردی وابسته به موسسه صباي سحر، چاپ پنجم.
- یاوری، حسین. (۱۳۸۰)، *اطلس صنایع دستی*، تهران: سازمان نقشه برداری کشور.
- یاوری، حسین. (۱۳۸۷)، *فلزکاری*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی و آموزش عالی سوره، چاپ دوم.
- یاوری، حسین. (۱۳۸۹ ب)، *نکات پیرامون مدیریت در کارگاه‌های تولیدی صنایع دستی*، تهران: انتشارات آذر.

فصلنامه:

- شاطری، علی اصغر. (۱۳۸۵)، بازار تاریخی کاشان، *فصلنامه فرهنگ و مردم (ویژه کاشان)*، سال پنجم، شماره ۱۹ و ۲۰.

مقالات:

- اسفندیاری، ابوالفضل. *عملکرد صنایع دستی در بهبود وضعیت اجتماعی*، (پایگاه آفتاب) مهر ۱۳۸۶.
- حسینی، علی. *صنایع دستی در دهکده جهانی*، (پایگاه آفتاب) اردیبهشت ۱۳۸۸.
- عمادی ازوجی، مهران؛ حسن زاده، رعنا. *نقش و کارکردهای صنایع دستی در امور اقتصادی و اجتماعی*، (پایگاه آفتاب)، ۱۳۸۷.
- عظیمی‌پور، آبان. *صنایع دستی، آمیزه‌ای از هنر و صنعت*، (پایگاه آفتاب)، مهر ۱۳۸۴.
- عسگری، بهمن. *ایران زادگاه صنایع دستی*، (پایگاه آفتاب)، بهمن ۱۳۸۵.

مصاحبه‌ها :

- گفتگو با آقای آفاجان زاده، محمد - مسگر بازار کاشان - تیر ماه و مهر ماه ۱۳۸۹.
- گفتگو با آقای الماسی، اکبر - مسگر بازار کاشان - تیر ماه ۱۳۸۹.
- گفتگو با آقای حسینی، سید حسین - مسگر بازار کاشان - خرداد ماه ۱۳۸۹.
- گفتگو با آقای شاهرودیان، محمد - مسگر بازار کاشان - تیر ماه ۱۳۸۹.
- گفتگو با آقای صداقت، محمد - مسگر بازار کاشان - تیر ماه ۱۳۸۹.
- گفتگو با با برخی از کسبه و قُدمای بازار کاشان - خرداد ماه و تیر ماه ۱۳۸۹.

منابع تصاویر:

کلیه تصاویر از نگارندگان (خرداد ماه ۱۳۸۹ - بازار کاشان).

